

جوان در آینه قرآن و روایات

محمود صفایی^۱

^۱ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گناوه، ایران

چکیده

دوران جوانی، منزلت کم‌نظیری در منظومه معارف اسلامی دارد؛ چنان‌که قرآن کریم شخصیت‌های برجسته خود را غالباً جوان معرفی می‌کند و سیره نبوی و علوی نیز جوانان را در خط مقدم تحولات دینی و اجتماعی جای داده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که متون دینی چه تصویری از «جوان» ارائه می‌دهند و کدام ویژگی‌ها و کارکردهایی را برای او بر می‌شمارند؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به آیات قرآن و روایات معصومین (ع)، نخست چارچوب مفهومی «فتیه» و «شباب» را تبیین و سپس الگوهای قرآنی جوان (حضرت یوسف، حضرت ابراهیم، اصحاب کهف و دیگران) و کانون‌های محوری روایات را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد در نگاه دینی، جوانی سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر و پرسؤال‌خیز است که سه ظرفیت عمده دارد: دل نرم و پذیرای حق، توان جسمی و معنوی برای عبادت و جهاد، و ورود به صحنه اجتماعی. در مقابل، روایات با بیان صریح آفت‌های دوران جوانی (شور و غفلت، سبک‌سری، هوی‌طلبی)، راهکارهایی چون خردورزی، علم‌آموزی، کار، ازدواج و احسان به والدین را پیش روی جوان می‌نهد. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی فرهنگی، تربیتی و اجتماعی بر پایه معارف ثقلین فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: جوان، فتیه، قرآن، روایات، تربیت، اصحاب کهف، سیره نبوی.

مقدمه

جوانی، بهار و مقطعی طلایی در زندگی انسان است؛ دوره‌ای که احوالت ارگانیک و روانی او به اوج می‌رسد، انگیزه کنجکاوی و خلاقیت در بالاترین سطح قرار دارد و فرد برای نخستین بار به‌طور جدی خود و جامعه را می‌بیند. چنین سرمایه‌ای نیازمند نگاهی واقع‌بینانه، تربیت معقول و برنامه‌ای واقع‌بینانه است. تربیت معقول و برنامه‌ای واقع‌بینانه نمی‌تواند بدون اتکا به یک مبانی معرفتی درباره «جوان» تصمیم بگیرند. متون اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم و سنت معصومین (ع)، منبع غنی و کم‌نظیری برای چنین مبانی هستند؛ زیرا برخلاف نگاه‌های عرفی که جوانی را صرفاً مرحله‌ای انتقالی و گذرا می‌بینند، در منظومه دینی این دوره با نگاهی تکریم‌آمیز و مسئله‌دارو به عنوان بهترین ایام عمر انسان به آن پرداخته شده است.

در متون لغت و اصطلاح، دو واژه «شباب» و «فتیه» نزدیک‌ترین اصطلاحات به «جوان» هستند. «شَبَّ» به معنای جوان جسم و «فَتَى» در اصطلاح، جوان مالامال از عزت نفس، جوان مردی و وجدان کاری است؛ نکته‌ای که شاعران و متکلمان اسلامی نیز بر آن تأکید کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۹۴). بنابراین در نگاه دینی «جوانی» صرفاً یک پدیده بیولوژیک نیست، بلکه مقوله‌ای دو بعدی است: یک بعد جسمی و روانی (شباب) و بُعد دیگر کمال‌گرایی معنوی، پاکدامنی و عزت نفس (فتیه). این دوگانه، خود نشان می‌دهد متون دینی در توصیف جوان به سطح ابعاد و ظرفیت‌های او نگریسته و هر دو ساحت را پوشش داده است.

از سوی دیگر، بر پایه روایات، سن جوانی با سنی که در آن فرد تمایز جسمی و روانی می‌یابد، از سن ۱۸ تا ۴۰ سالگی برآورد می‌شود و در روایات از آن به «فتیه» و «شباب» تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۲؛ سیوطی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۸۳۹). دامنه پژوهش حاضر، ادبیات قرآنی و روایی شیعه و سنی درباره «جوان» است و پرسش‌های اصلی آن عبارت‌اند از: (۱) قرآن کریم چه تصویری از جوان و ظرفیت‌های او ارائه می‌دهد؟ (۲) روایات معصومین (ع) چه ویژگی‌ها و کارکردهایی برای جوان برمی‌شمارند؟ و (۳) با اتکا به این دو دسته از متون، کدام راهکارهای تربیتی برای توانمندسازی جوانان قابل استخراج است؟ در ادامه، نخست جایگاه جوان در قرآن کریم بررسی و سپس سیمای جوان در روایات و سرانجام چالش‌ها، راهکارها و پیشنهادهای راهبردی مطرح و مورد تحلیل و بررسی واقع می‌گردد.

جایگاه و منزلت جوان در آیینه آیات قرآن کریم

قرآن کریم به‌طور مستقیم اصطلاح «جوان» را در قالب واژه‌ای معادل امروزی به کار نمی‌برد، اما دو واژه «فتیه» (جمع فتی) و «شباب» و نیز روایت‌های شخصیت‌های جوان در سوره‌های مختلف، بستر مفهومی روشنی برای تحلیل سیمای جوان در این کتاب می‌فرستد. نکته قابل توجه آن است که قرآن، شخصیت‌های برجسته خود را غالباً در ساحت جوانی معرفی می‌کند و دوران جوانی را فصل تحول، امتحان و اوج‌گیری آنان به تصویر می‌کشد.

یکی از روشن‌ترین کاربردهای واژه «فتیه» در قرآن، در سوره کهف است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف/ ۱۳). این آیه در بیان ویژگی‌های اصحاب کهف، دو مضمون مهم را عرضه می‌کند: نخست، ایمان به خدا در آغاز جوانی؛ دوم، وعده افزایش هدایت از سوی خداوند برای آنان. اصحاب کهف نمونه جوانانی هستند که در برابر یک جامعه سلطه‌جو و باور غالب جامعه، راه حق را برگزیدند، از شهر خود گریختند و ایمان خود را حفظ کردند. از منظر تربیتی، این آیه نشان می‌دهد که ایمان آگاه در جوانی، جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند در فراز و نشیب‌های اجتماعی به عنوان پشتوانه‌ای متقن و سرمایه‌ای بی‌بدیل عمل کند.

نمونه عملی جوان در قرآن

از نمونه هایی که قرآن کریم بدان می پردازد حضرت یوسف (ع) است که بخش عمده قصه او در دوره جوانی رخ می دهد. یوسف (ع) در آغاز داستان، نوجوانی است که در خانه پدر در مصریه تنهایی و در محاصره حسادت برادران قرار دارد. در پالایش های بعدی، در خانه عزیز مصر، جوانی است که در آستانه فتنه اخلاقی، از خویشتن داری و پاکدامنی برخوردار است و سرانجام در دوره جوانی به مقام ریاست خزانه مصر می رسد. قرآن از او با تعبیر «فَتَى» یاد می کند: «وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا» (یوسف/ ۲۱) مفهوم کلیدی این روایت آن است که در قرآن، پاکدامنی و عزت نفس در جوانی، جلوه «فتیه» است؛ یعنی جوان مردی به معنای امتناع از ناپاکی و برتری اخلاقی بر موقعیت.

در همین سیاق، حضرت ابراهیم (ع) نیز جوانی است که در برابر یک جامعه بت پرست و در میان فضای حاکم بر معتقدات عمومی، طرحی نو در می اندازد. در سوره انبیاء، او پس از خرد کردن بت ها، تنها کسی است که در برابر جامعه خویش رو ایستاده است: «فَأَقْبَلَ إِلَى آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ» (انبیاء/ ۵۷) در قرآن، این روحیه جوان مردانه در برابر سنت غلط و بت ها، نمونه برجسته «فتیه» است. با همین نگاه می توان به حضرت اسماعیل (ع) اشاره کرد که در روایت قربانی، «فَتَى» معرفی می شود که در برابر امر الهی، صبورانه و مطیعانه برخورد می کند: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَا قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات/ ۱۰۲) «بلوغ السعی» در این آیه، به سن جوانی و ظرفیت جسمی و عقلی برای سعی و تلاش اشاره دارد و نشان می دهد که در قرآن، جوانی دوره پذیرش مسئولیت است.

از میان الگوهای قرآنی، حضرت موسی (ع) نیز نمونه دیگری است که در مصر، به بلوغ و کمال می رسد: «فَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص/ ۱۴) این آیه به طور صریح میان دوران بلوغ جسمانی و رشد حکمت و علم پیوند برقرار می کند و نشان می دهد جوانی، دوره رشد اخلاقی و معرفتی است. جمع بندی آیات مذکور نشان می دهد که قرآن، از جوان با سه ظرفیت بنیادین سخن می گوید: (۱) ایمان آگاه و پاکدامنی، (۲) ظرفیت جسمی و معنوی برای تلاش و مسئولیت پذیری، و (۳) جرأت ورود به صحنه اجتماعی و انقلاب در برابر سنت های نادرست. این سه ظرفیت، پایه نگاه تکریم آمیز متون دینی به جوان را می سازد و راه را برای بررسی روایات باز می کند.

جوان در سیره و روایات معصومین (ع)

در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، جوانان نه فقط پذیرفته جامعه، بلکه موتور تحول و پشتوانه اصلی نهضت های دینی بوده اند. در این بخش، کانون های محوری روایات را در چهار محور تکریم و توجه، ظرفیت معنوی و عبادت، نقش آفرینی اجتماعی و اهتمام به آموزش و کار، مورد تحلیل قرار می دهد.

نخستین محور، «تکریم و توجه به جوانان» است. رسول خدا (ص) در روایتی مشهور می فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا؛ فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً... إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَنَذِيرًا، حَالَفَنِي الشَّبَابُ وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ» (چهل حدیث جوان). در این روایت، پیامبر (ص) جوانان را دارای دل های نرم تر و پذیراتر از پیران می داند و همراهی آنان را در برابر مقاومت پیران دل سخته برجسته می سازد. این روایت، نه فقط تحسین ظرفیت های جوانان، بلکه گزارش تاریخی نقش آنان در آغاز اسلام است؛ چنان که در بدر و احد و فتح مکه، مأموریت های حساس به جوانانی چون اسامه بن زید، عتبۀ بن اسید و زید بن حارثه سپرده شد و نخستین فرماندار مکه و نخستین نماینده پیامبر نیز جوان بودند (ویکی فقه، «جایگاه جوانان در سیره نبوی»).

دومین محور، ظرفیت معنوی و عبادت در دوران جوانی است. پیامبر (ص) در حدیث مشهور «سَبْعَةُ يَظْلَهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ»، یکی از هفت گروه بهره مند از سایه خداوند در قیامت را «شَابٌ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ» (جوانی که در عبادت خدا پرورده شده) معرفی

می‌کند (صحیح مسلم، کتاب الزکاة، ح — شرح حدیث). این حدیث نشان می‌دهد عبادت در سنّ جوانی فضیلتی استثنایی دارد؛ زیرا انجام آن در میانه کشتش‌های نفسانی و اشتغال‌های دنیوی، نشانه اختیار آگاهانه‌های دنیوی، با پاداش‌های ویژه اخروی همراه شده است؛ چنان‌که در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْوَشْمِ فِي الْحَجَرِ وَمَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ» (چهل حدیث جوان، *hadith.net*). این روایت، جوانی را دوره طلایی یادگیری می‌داند و آموخته جوانی را به «نقش بر سنگ» و آموخته سالمندی را به «نوشتن بر آب» تشبیه می‌کند.

سومین محور، نقش‌آفرینی اجتماعی جوانان است. در روایات و سیره نبوی، جوانان غالباً در خط مقدم تحولات اجتماعی بوده‌اند؛ از مواجهه تاریخی اصحاب کهف با یک جامعه ستمگر تا نقش جوانان در حمایت از پیامبر در مهاجرت و جهاد. در سیره علوی، امام علی (ع) نیز در وصیت خویش به فرزندش، اهمیت تربیت در جوانی را با تشبیه «دل جوان به زمین کشت‌ناشده» بیان می‌کند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (چهل حدیث جوان، *hadith.net*). این تشبیه نشان می‌دهد که نگاه ائمه (ع) به جوان، نگاهی دوگانه است: از یک سو، ظرفیت بی‌نظیر برای پذیرش تربیت و از سوی دیگر، آسیب‌پذیری در برابر بذره‌های نادرست.

چهارمین محور، توجه به سیمای شاداب و توانمند جوان در روایات است. در کلام امام صادق (ع)، جوانی که در سایه ایمان، پاکدامنی و مشغولیت سالم زیسته باشد، الگوی جامعه معرفی می‌شود و در روایات، مشوق‌های متعددی برای اشتغال به کار، ازدواج و آموزش دین برای جوانان برشمرده شده است (حسینی، ۱۳۸۷ ش). جمع‌بندی این چهار محور نشان می‌دهد که نگاه روایات به جوان، نگاهی سازنده و مسئله‌محور است: جوانان سرمایه‌ای پابان‌ناپذیرند که هم ظرفیت‌های معنوی و هم آسیب‌پذیری‌های آنان باید جدی گرفته شود.

چالش‌ها و فرصت‌های دوران جوانی از منظر متون دینی

دوران جوانی همچون هر سرمایه ارزشمند، هم فرصت است و هم آسیب‌پذیر. متون دینی بدون وارونه‌سازی واقعیت‌های روان‌شناختی این دوره، هم ظرفیت‌های بی‌نظیر آن را برشمرده‌اند و هم آفت‌هایش را با صراحت بیان کرده‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان از «نگاه موازنه‌جویانه ثقلین» به جوانی سخن گفت.

از منظر فرصت‌ها، نخستین ظرفیت، «شادابی جسمی و معنوی» است. روایات، جوانی را دوره اوج نشاط و توان جسمانی می‌دانند و این توان را در خدمت عبادت، جهاد و سازندگی می‌خواهند؛ چنان‌که پیامبر (ص) جوان عابد را از هفت گروه بهره‌مند از سایه خدا در قیامت شمرده و خداوند در قرآن، موسی (ع) را پس از رسیدن به «أشدّه» (اوج توانایی) از حکمت و علم برخوردار ساخته است (قصص/ ۱۴). دومین فرصت، «دل نرم و پذیرا» است؛ ظرفیت جوان برای پذیرش حق، تغییر سبک زندگی و انقلاب درونی که روایات از آن با تعبیر «أرقُّ أفئدةً» (نرم‌دل‌تر) یاد کرده‌اند. (S1) سومین فرصت، «روحیه کمال‌گرایی و عزت نفس» است که در قرآن با واژه «فتیه» و در روایات با مفهوم «جوان‌مردی» بازتاب یافته است؛ همان ویژگی که یوسف (ع) در قله فتنه قدرت و وسوسه، و اصحاب کهف در میان یک جامعه سلطه‌جو، به نمایش گذاشتند.

در مقابل، روایات با صراحت از آفت‌های دوران جوانی سخن گفته‌اند. نخستین آفت، «شور و غفلت» است؛ چنان‌که پیامبر (ص) جوانی را شاخه‌ای از بی‌ثباتی و سبک‌سری معرفی کرده و جوان را به وقار و پختگی فراخوانده است: «خَيْرُ شَبَابِكُمْ مَنْ كَانَ كَأَكْلِ الشَّيْخِ» ؛ (دومین آفت، «هوی‌طلبی و پیروی از هوای نفس» است. قرآن با تعبیر «إِنَّ النَّفْسَ لِلْآمَارَةِ السُّوءِ» (یوسف/ ۵۳) از طغیان نفس سخن می‌گوید و سوره یوسف، خود ترسیم‌گر صحنه‌های و سوسه‌های جوانی و خطر غفلت از خدا در بستر نعمت است. سومین آفت، «سبک‌سری در تصمیم‌های تعیین‌کننده» است؛ دوره‌ای که خانواده، دوستان و شبکه‌های اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به انرژی جوان دارند و روایات، نقش دوستان و مؤاخات دینی را در این دوره حیاتی

می‌دانند. چهارمین آفت، «فقر و بیکاری» است؛ روایات، جوان بیکار را در معرض آسیب‌های اخلاقی و معنوی می‌دانند و از این رو کار و کوشش را بخشی از دین‌داری جوان معرفی می‌کنند.

تحلیل این چالش‌ها و فرصت‌ها نشان می‌دهد که متون دینی، جوانی را نه پدیده‌ای صرفاً زیستی، بلکه سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر می‌بینند که هم پشتوانه دین‌داری و هم آسیب‌پذیر در برابر غفلت و هوای نفس است؛ و در این میان، عامل تعیین‌کننده سعادت یا شقاوت جوان، «تربیت» است. بر همین اساس، بخش بعد راهکارهای تربیتی را با اتکا به ثقلین استخراج می‌کند.

راهکارهای تربیت و توانمندسازی جوانان از منظر ثقلین

با تکیه بر چارچوب مفهومی و کانون‌های روایی پیش‌گفته، می‌توان الگوی تربیتی متون دینی برای جوان را در پنج راهبرد بنیادین سامان داد.

۱. **خردورزی و علم‌آموزی.** قرآن در سوره یوسف، از یوسف جوان می‌خواهد که در برابر وسوسه‌ها با «برهان» و «علم» مقاومت کند: «وَلَمَّا... جَاءَ بُرْهَانَ رَبِّهِ» (یوسف/ ۲۴). روایات نیز یادگیری در جوانی را به «نقش بر سنگ» تشبیه کرده‌اند (و پیامبر (ص) فرموده است هر که قرآن را در جوانی فراگیرد، آن علم «با گوشت و خونس عجین می‌شود» از منظر تربیتی، این راهبرد یعنی نخستین سال‌های جوانی باید فصل استحکام باورها، تقویت قدرت تحلیل و ارتباط زنده با متون دینی باشد.

۲. **عبادت و ارتباط معنوی با خدا.** حدیث نبوی «شَابٌ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ» نشان می‌دهد که عبادت در جوانی ارزشی استثنایی دارد؛ زیرا انجام آن در میانه کشش‌های نفسانی و اشتغال‌های دنیایی، نشانه اختیار آگاهانه جوان است. از منظر تربیتی، این راهبرد، زندگی جوان مسلمان را به ارتباط مستمر با قرآن، نماز و ذکر گره می‌زند و عبادت را نه یک تکلیف، بلکه یک برنامه هویتی ترویج می‌کند.

۳. **کار، تلاش و استقلال مالی.** در روایات، کار جوانی که برای بی‌نیازی از مردم و روزی حلال تلاش می‌کند، «فی سبیل الله» خوانده شده است این نگاه، اشتغال جوان را از یک ضرورت اقتصادی به یک ارزش دینی ارتقا می‌دهد و از جامعه می‌خواهد که اشتغال‌زایی و پشتیبانی از جوانان را بخشی از وظیفه دینی و اجتماعی خود بداند.

۴. **ازدواج و پاکدامنی.** پیامبر (ص) در روایات متعدد جوانان را به ازدواج سفارش کرده است. از منظر تربیتی، ازدواج در منظومه دینی صرفاً پاسخی به نیاز طبیعی نیست، بلکه ابزاری برای تسهیل پاکدامنی، آرامش روانی و بلوغ اجتماعی جوان است؛ و چون این راهبرد با راهبرد کار پیوندی وابسته دارد، جامعه دینی باید در کاهش هزینه‌های ازدواج و پشتیبانی از جوانان در آغاز زندگی مشترک نقش‌آفرین باشد.

۵. **مسئولیت‌سپاری و کرامت‌بخشی به جوان.** سیره نبوی نشان می‌دهد پیامبر (ص) مأموریت‌های حساس را به جوانان می‌سپرد: نخستین نماینده خود، نخستین فرماندار مکه و فرمانده لشکر اسامه، همه جوان بودند این روش تربیتی، پیام روشنی دارد: انکار توانمندی جوانان و انباشت مسئولیت در دست پیران، نه‌تنها عدول از سیره نبوی، بلکه محروم‌سازی جامعه از انرژی جوانی است. در همین سیاق، امام علی (ع) با تشبیه دل جوان به زمین نرم و پذیرا، بر اهمیت تربیت پیش از سخت شدن دل‌ها تأکید می‌کند.

جمع‌بندی این پنج راهبرد نشان می‌دهد که الگوی تربیتی ثقلین، توأمان فردی-اجتماعی و دنیوی-اخروی است: جوان را هم به خردورزی و پاکدامنی فردی فرا می‌خواند و هم مسئولیت اجتماعی، کار و خانواده را بخشی از دین‌داری او می‌داند؛ و جامعه را نیز به تکریم جوان، سپردن مسئولیت و پشتیبانی از کار و ازدواج او موظف می‌سازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای راهبردی

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به قرآن کریم و روایات معصومین (ع) نشان داد که متون دینی تصویری تکریم‌آمیز، واقع‌بینانه و مسئله‌محور از جوان ارائه می‌دهند. قرآن کریم با معرفی الگوهای جوان (یوسف، ابراهیم، اسماعیل، موسی و اصحاب کهف)، سه ظرفیت بنیادین جوانی را برجسته می‌سازد: ایمان آگاه و پاکدامنی، ظرفیت جسمی و معنوی برای تلاش و مسئولیت، و جرأت ورود به صحنه اجتماعی. روایات نیز این تصویر را در چهار محور تکمیل می‌کند: تکریم و اعتماد به جوانان، ارزش استثنایی عبادت و یادگیری در جوانی، نقش‌آفرینی اجتماعی، و اهتمام به کار و ازدواج. متون دینی هم‌زمان آفت‌های جوانی (شور و غفلت، سبک‌سری، هوی‌طلبی، فقر و بیکاری) را صریحاً برشمرده و راهکارهایی چون خردورزی، علم‌آموزی، عبادت، کار، ازدواج و مسئولیت‌سپاری را پیش روی جوان، خانواده و جامعه می‌نهد.

بر پایه یافته‌ها، پنج پیشنهاد راهبردی ارائه می‌شود:

۱- **تدوین الگوی تربیتی ثقلین‌بنیان.** نهادهای تربیتی و فرهنگی باید الگوی خود را بر پایه سه ظرفیت قرآنی جوان (ایمان آگاه، ظرفیت تلاش، جرأت اجتماعی) و پنج راهبرد روایی (خردورزی، عبادت، کار، ازدواج، مسئولیت‌سپاری) بنا کنند؛ نه صرفاً ممنوعیت‌محور.

۲- **اصلاح نگاه مدیریتی به جوان.** انباشت مسئولیت در دست پیران و بی‌اعتمادی به جوانان، ناقض سیره نبوی است؛ سپردن مسئولیت‌های واقعی به جوانان شایسته، هم‌سو با سیره معصومین (ع) است و باید در نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی نهادینه شود.

۳- **اولویت‌بخشی به پیشگیری از آفت‌ها.** با توجه به تصریح روایات به آفت‌های جوانی، برنامه‌های فرهنگی باید بر پیشگیری از هوای نفس‌پرستی، سبک‌سری و بیکاری متمرکز شود؛ نه صرفاً بر واکنش به آسیب‌های رخ داده.

۴- **تقویت پیوند جوان با قرآن.** روایت «قرآن با گوشت و خون عجین می‌شود» مبنایی برای برنامه‌های زنده قرآنی جوانان است: حلقه‌های معنوی، ترجمه‌خوانی و تفسیر ساده، و پیوند قرآن با زندگی روزمره جوان.

۵- **پشتیبانی از کار و ازدواج جوانان.** چون کار و ازدواج در منظومه دینی ارزش دینی‌اند، سیاست‌گذاری اقتصادی و فرهنگی باید کاهش هزینه‌های ازدواج، اشتغال‌زایی و توانمندسازی مالی جوانان را وظیفه‌ای دینی و اجتماعی بداند.

در مجموع، آینه قرآن و روایات، جوان را نه «مسئله جامعه» بلکه «سرمایه امت» معرفی می‌کند؛ سرمایه‌ای که اگر با خردورزی، عبادت، کار، ازدواج و مسئولیت‌سپاری همراه شود، می‌تواند مانند یوسف (ع) از چاه به خزانه‌داری مصر و مانند اصحاب کهف از گمشدگی به تجدید حیات امت‌ها برسد. پژوهش‌های آینده می‌توانند این چارچوب را با یافته‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جوان نظریه‌پردازی و آزمون تجربی کنند.

منابع

- قرآن کریم (ترجمه و ارجاع آیات در متن مقاله بر اساس شماره سوره و آیه ارائه شده است).
- حسینی، سیدجواد. (۱۳۸۷) «جوان در کلام امام صادق (ع)»، نشریه پاسدار اسلام، سال پنجم، شماره ۳۲۳، تهران.
- بازیابی‌شده از پایگاه مجلات تخصصی نور: (ensani.ir) لینک مقاله
- دانش‌نامه آزاد فقه (ویکی‌فقه)، برگرفته از دانشنامه جهان اسلام، مدخل «جایگاه ج نبوی». بازیابی‌شده از: لینک مقاله

سیوطی، جلال‌الدین (۱۹۸۱م). الجامع الصغیر، ج ۱، بیروت: الجامع الصغیر، ج ۱، بیروت: دارالفکر. مجموعه چهل حدیث جوان)

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی. (نقل شده در مدخل ویکی‌فقه)

فیض کاشانی، ملا محسن (بی‌تا). المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی. (نقل شده در مدخل ویکی‌فقه)

مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). بحار الانوار، تهران: اسلامیه. (نقل شده در مدخل ویکی‌فقه و مجموعه چهل حدیث جوان)

مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (hadith.net) «چهل حدیث جوان». بازیابی شده از: لینک مقاله

مسلم بن حجاج نیشابوری (بی‌تا). «حدیث سبعة یظلهم الله فی ظله»، صحیح مسلم، کتاب الزکاة، حدیث ۱۰۳۱. شرح و ترجمه: لینک شرح حدیث

ورام بن ابی فراس (بی‌تا). مجموعه ورام (تنبيه‌العاوی)، ج ۲، قم: مکتبۃ الفقیه. (نقل شده در مدخل ویکی‌فقه)